



نقد القاعده بر مبانی مشروعیت خلافت

ابوبکر البغدادی

ابوذر فروتنی*

چکیده

مشروعیت خلیفه داعش یکی از مباحث مورد اختلاف القاعده و داعش است. با توجه به اهمیت و تأثیرگذاری این دو گروه بر سایر جریان‌های جهادی، نوشتار حاضر به بررسی تطبیقی مبانی مشروعیت خلیفه از دیدگاه القاعده و داعش می‌پردازد. آنچه از تحلیل ادله و استدلال‌های این دو گروه به دست آمد این است که القاعده و داعش چهار مبنا در مشروعیت خلیفه دارند. اول: خلیفه اهل بیت خلافت را داشته باشد؛ دوم: خلیفه از طریق شرعی بر مسند خلافت تکیه زده باشد؛ سوم: خلیفه بر اساس ما أنزل الله حکم کند؛ چهارم: خلیفه کافر به طاغوت باشد. این چهار مبنا را القاعده و داعش قبول دارند؛ ولی اختلاف القاعده و داعش، در تطبیق مبنای اول و دوم بر خلیفه داعش است. در مورد مبنای سوم و چهارم نیز تبیین این دو گروه با مشهور اهل سنت و حتی دیگر سلفیان تعارض دارد و از این دو مبنا در ردّ حاکمان کشورهای اسلامی بهره می‌گیرند. مقاله حاضر، با روش تحلیلی-توصیفی به نتایج فوق رسیده است.

کلیدواژه‌ها: القاعده، داعش، مشروعیت، خلیفه، بیعت اهل حل و عقد، تغلب، اهل بیت، حکم به ما أنزل الله، کفر به طاغوت.

* دانش‌آموخته سطح سه نقد و هابیت مؤسسه خاتم النبیین (علیه السلام) و دانش‌پژوه مؤسسه دار الإعلام لمدرسة أهل البيت (علیهم السلام).
zohoorohjat313@gmail.com

مقدمه

بحث مشروعیت خلیفه از مباحث مهم سیاسی اسلام است که ثمرات متعددی همچون وجوب بیعت با خلیفه، لزوم نصرت خلیفه، حرمت تکفیر و خروج علیه خلیفه بر آن مترتب است. پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی، تا سالیان اخیر به دلیل نبود خلیفه عام، این بحث چندان مطرح نبود تا اینکه پیدایش گروه‌های جهادی با شعار احیای خلافت اسلامی عامل رونق این بحث شد. ظهور داعش و ادعای خلافت اسلامی توسط بغدادی باعث شد که بحث مشروعیت خلیفه به شدت در بین سلفیان جهادی، به خصوص داعش و القاعده، مطرح شود. با توجه به اهمیت موضوع و تأثیرگذاری داعش و القاعده بر سایر جریان‌های جهادی، لازم است بحث مشروعیت خلیفه از دیدگاه این دو گروه بررسی شود. با توجه به اینکه تاکنون مقاله و کتابی به صورت مستقل درباره مشروعیت خلیفه نوشته نشده است و حتی هیچ کدام از تألیفاتی که در سال‌های اخیر در تبیین مبانی سلفیه جهادی نگارش یافته‌اند،^۱ به مبانی مشروعیت خلیفه نپرداخته‌اند، نوشتار حاضر درصدد بررسی تطبیقی مبانی مشروعیت خلیفه از دیدگاه داعش و القاعده است. آنچه از بررسی ادله و استدلال‌های این دو گروه در ردّ یکدیگر و ردّ حاکمان کشورهای اسلامی روشن می‌شود این است که داعش و القاعده، خلیفه‌ای را مشروع می‌دانند که اولاً: اهلیت خلافت را داشته باشد؛ ثانیاً: از طریق شرعی مستقر شود؛ ثالثاً: بر اساس ما أنزل الله حکم کند؛ رابعاً: حکم به کفر طاغوت نماید.

لذا مقاله حاضر با مقایسه و تحلیل ادله و استدلال‌های داعش و القاعده در باب مشروعیت خلیفه، به اثبات مبانی مشروعیت خلیفه از دیدگاه این دو گروه می‌پردازد و سپس نقدهای وارد بر این مبانی را، به خصوص نقدهای القاعده در تطبیق این موارد بر عملکرد داعش، بیان می‌کند.

قبل از بررسی تطبیقی مبانی القاعده و داعش در مشروعیت خلیفه، لازم است که

۱. برای نمونه: الف) غلامزاده، سعید، «ادله داعش بر خلافت اسلامی و نقد آن از سوی سلفیان جهادی»، پژوهشنامه نقد و هایت سراج منیر، شماره هفدهم؛ ب) شریقات، عبدالمحمد، حکم به غیر ما أنزل الله؛ ج) محیطی، مرتضی، استعانت از کفار.

مقصود از خلیفه مشروع نزد این دو گروه روشن شود. از نظر داعش و القاعده، خلیفه کسی است که شئون دین و دنیای مسلمانان را بر عهده بگیرد.^۱ «امیر المؤمنین»، «امام» و «ولی امر» تعبیرهای دیگر «خلیفه» نزد این دو گروه است.^۲ حال اگر حاکمیت خلیفه در چارچوب حاکمیت «الله» باشد و قدرت او بر اساس شرع به دست آمده باشد، آن خلیفه مشروع است. بر همین اساس، مبانی مشروعیت خلیفه از دیدگاه داعش و القاعده به صورت تطبیقی ذکر و نقد می شود.

مبنای اول: اهلیت خلافت

اهلیت، به معنای شایستگی خلیفه برای مقام خلافت، یکی از مبانی مشروعیت خلیفه نزد داعش و القاعده است. عدم اهلیت موجب عدم مشروعیت خلیفه و حتی عزل او می شود.^۳ خلیفه‌ای از دیدگاه این دو گروه اهلیت دارد که اولاً: بتواند وظایف اجتماعی خلیفه را انجام دهد؛^۴ و ثانیاً: شروط امامت را داشته باشد.^۵ داعش و القاعده در دو ویژگی مذکور برای اهلیت خلیفه، اختلاف چندانی ندارند و معتقدند که این ویژگی‌ها، باید قبل از نصب خلیفه احراز شود؛^۶ لذا دو ویژگی اهلیت از دیدگاه القاعده و داعش را بیان می کنیم:

اول: قدرت بر انجام وظایف اجتماعی

قدرت بر انجام وظایف اجتماعی یکی از ویژگی‌هایی است که داعش و القاعده در اهلیت

۱. نک: موحد کردی، اوربان، ولی امر در اسلام، ص ۷ تا ۹.

۲. مکتب البحوث و الدراسات، توعية الرعية بالسياسة الشرعية، ص ۷.

۳. نک: ازدی، ابوالحسن، موجبات الانضمام للدولة الإسلامية في العراق و الشام اعتراضات و جوابات، ص ۱۵ و ۲۴؛ منصور، ابوعبدالله محمد، الدولة الإسلامية بين الحقيقة و الوهم، ص ۵۲.

۴. ابراهیمی، کاروان، رد بر اعلان خلافت و انحرافات جماعت بغدادی، ص ۶۶.

۵. نک: «دراسة دعاوي الخلافة الإسلامية»، سایت المجلس الإسلامي السوري، ۲۶ می ۲۰۱۵م، آدرس: <http://sy-sic.com/?p=1455>

۶. نک: طرطوسی، ابوبصیر، الأحكام السلطانية و السياسية الشرعية، ص ۲۱۱؛ «دراسة دعاوي الخلافة الإسلامية»، سایت المجلس الإسلامي السوري، ۲۶ می ۲۰۱۵م، آدرس:

<http://sy-sic.com/?p=1455>

«الرد المختصر على مناوئي خلافة خليفة أبي بكر»، سایت JustPaste، ۶ جولای ۲۰۱۴م، آدرس: <https://justpaste.it/khilafh>

خلیفه لازم می‌دانند.^۱ آن وظایف اجتماعی که داعش و القاعده برای خلیفه برمی‌شمارند، همان وظایفی است که ماوردی^۲ در الأحکام السلطانیة ذکر کرده است. این دو گروه، بدون اختلاف، قدرت بر انجام وظایف را شرط اهلیت می‌دانند؛^۳ ولی در اینکه ابوبکر بغدادی قدرت انجام وظایف اجتماعی خلیفه را دارد یا خیر، بین داعش و القاعده اختلاف وجود دارد. داعشی‌ها می‌گویند که بغدادی چون به وظایف امامت عمل می‌کند،^۴ اهلیت دارد؛^۵ اما القاعده معتقد است که بغدادی قادر به انجام وظایف نیست و صرفاً ادعای عمل به وظایف را دارد و صرف ادعای بدون توجه به واقعیت، بی‌فایده است؛^۶ پس او مشروعیت ندارد.^۷ برای فهم دقیق‌تر اختلاف این دو گروه، وظایف اجتماعی خلیفه و نقدهای طرفداران القاعده بر داعش را ذکر می‌کنیم:

۱. حفظ و پاسداری از دین: بغدادی مشروعیت ندارد؛ چون نمی‌تواند سد محکمی در برابر شبکه‌های ماهواره‌ای و ارتداد فکری بین‌المللی باشد و نمی‌تواند محیطی برای رشد و کمال مردم فراهم کند.

۲. اجرای احکام در بین مردم: بغدادی توان اجرای احکام اسلامی را در بیشتر مناطق اسلامی ندارد؛ پس مشروع نیست.

۳. پاسداری از قلمروی دین و دفاع از حریم خلافت: ناموس مسلمانان هتک شده است، اموال آنان به تاراج رفته است، سرزمین‌های آنان اشغال شده است و حتی خود

۱. نک: ابراهیمی، کاروان، رد بر اعلان خلافت و انحرافات جماعت بغدادی، ص ۴۷.

۲. ماوردی شافعی اشعری (م ۴۵۰ق) قاضی القضاة دستگاه خلافت بود. وی برای تقویت مشروعیت دستگاه خلافت به نگارش کتاب الأحکام السلطانیة پرداخت. این کتاب اولین و مهم‌ترین اثری است که به صورت تفصیلی به بحث خلافت پرداخته است؛ از همین رو، مورد توجه محققان اسلامی و سلفیه جهادی است. «نگارش‌ها و گرایش‌های سیاسی ماوردی»، سایت پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۲۶ مهر ۱۳۸۸ش، آدرس: <http://www.hawzah.net/fa/article/view/81828>

۳. نک: مکتب البحوث و الدراسات، توعية الرعية بالسياسة الشرعية، ص ۲۳ تا ۲۵؛ ابراهیمی، کاروان، رد بر اعلان خلافت و انحرافات جماعت بغدادی، ص ۴۷.

۴. ازدی، ابوالحسن، موجبات الإنضمام للدولة الإسلامية في العراق و الشام اعتراضات و جوابات، ص ۱۳.

۵. همان، ص ۲۴ و ۲۵.

۶. منصور، ابو عبدالله محمد، الدولة الإسلامية بين الحقيقة و الوهم، ص ۵۲.

۷. همان، ص ۴۶.

مجاهدان نیز در جنگل‌ها و کوه‌های صعب‌العبور زندگی می‌کنند. اینها دلیل بر آن است که بغدادی نتوانسته است از قلمروی دین پاسداری کند؛ پس او مشروعیت ندارد.

۴. برپایی حدود دین: بغدادی در بیشتر مناطق نمی‌تواند حدود اسلامی را اقامه کند و حتی مناطقی که ادعا می‌کند بر آنها تسلط دارد، در آتش جنگ هستند.

۵ و ۶. استحکام بخشیدن به مرزها برای ممانعت از دشمن و همچنین جهاد با کسانی که بعد از دعوت به اسلام، بازهم عناد دارند: در شرایط موجود، بغدادی این حق ملت را ادا نکرده است.

۷. گرفتن غنیمت و صدقات بر حسب شریعت: بغدادی وقتی نمی‌تواند بین مردم عادی حضور پیدا کند، چطور می‌خواهد زکات را از ثروتمندان بگیرد؟ او حتی بر مناطق اسلامی سیطره ندارد تا بتواند زکاتی از آنها اخذ کند!

۸ و ۹. پرداخت حقوق و مستحقات بیت‌المال و گماشتن افراد امانت‌دار و خیرخواه بر مناصب: بغدادی صرفاً می‌تواند دستمزد افراد خود را بدهد و توانایی پرداخت دستمزد بقیه گروه‌ها را ندارد. او به‌جای گماشتن افراد خیرخواه، افراد جنایتکار را به سرپرستی امور منصوب می‌کند که نمونه آن در کشتار قبیله «شعیطات» در استان دیرالزور^۱ مشاهده شد. ۱۰. نظارت مستقیم بر امور و شرایط و احوال: در اوضاع کنونی، بغدادی نمی‌تواند در بین پیروان خود حضور پیدا کند؛ چه برسد به اینکه بخواهد به‌طور مستقیم بر امور امت نظارت کند.^۲

القاعده با توجه به اشکالات فوق، بغدادی را مشروع نمی‌داند؛ چون او قدرت انجام وظایف امامت را ندارد.

دوم: شروط امامت

ویژگی دیگری که القاعده و داعش، برای اهلیت خلیفه لازم می‌دانند، وجود شرایط امامت

۱. داعش در سال ۲۰۱۴م حدود هفتصد نفر از مردم «شعیطات» را اعدام کرد. بسیاری از کشته‌شدگان مردم عادی بودند.

۲. نک: ابراهیمی، کاروان، رد بر اعلان خلافت و انحرافات جماعت بغدادی، ص ۴۹ تا ۵۴؛ رقب، صالح حسین، الدولة الإسلامية «داعش»، ص ۵۴ تا ۵۸.

در خلیفه است.^۱ این دو گروه شرایط زیادی^۲ برای اهلیت خلیفه ذکر می‌کنند؛ ولی در تطبیق شرایط بر بغدادی اختلاف دارند. داعشی‌ها ابوبکر بغدادی را مصداق اتم شروط امامت می‌دانند؛ به همین جهت، او را خلیفه مشروع مسلمانان می‌دانند.^۳ در مقابل، افراد القاعده معتقدند که بغدادی چون شرایط امامت را ندارد، اهلیت ندارد و مشروع نیست.^۴ از بین شرایط ذکر شده برای خلیفه، سه شرط قریشی بودن، علم، و عدالت، بیشتر مورد اختلاف این دو گروه است که به بیان آنها می‌پردازیم:

۱. قریشی بودن

داعش، «قریشی بودن» را شرط صحت و مشروعیت خلیفه می‌داند^۵ و ادعا دارد که نص، اجماع صحابه و تابعین بر شرطیت قریشی بودن دلالت می‌کنند. جمهور مسلمانان نیز این شرط را لازم می‌دانند و تنها عده کمی از اهل بدعت^۶ این شرط را قبول ندارند.^۷ آنان

۱. نک: «دراسة دعاوي الخلافة الإسلامية»، سایت المجلس الإسلامي السوري، ۲۶ می ۲۰۱۵م، آدرس: <http://sy-sic.com/?p=1455>
۲. شروط مذکور در عبارات القاعده و داعش عبارت‌اند از: ۱. شرایط عمومی که هر خلیفه عموم مسلمانان و چه خلیفه منطقه‌ای خاص، باید داشته باشد؛ مثل اسلام، حریت، ذکوریت، بلوغ و عقل؛ ۲. صلاحیت جسمی مثل اینکه کر، کور، لال یا فاقد دو دست و پا نباشد؛ ۳. صلاحیت شخصی و کفایت نفسانی مثل شجاعت، دلاوری، جرئت بر اقامه حدود، حسن تدبیر؛ ۴. شروط طبیعی منصب خلافت مثل اینکه در مسائل سیاسی، نظامی، اقتصادی و بین‌المللی صاحب‌نظر باشد. نافذالحکم و قادر بر حفظ امنیت باشد؛ شروطی مثل علم، عدالت، نسب (قریشی)، مشورت و تمکین.
- نک: موافقان داعش: اثری، ابوهمام، مد الایادي لبيعة البغدادي، ص ۱۰ و ۱۱؛ انصاری، ابواسامه، الدولة الإسلامية و خلافتها المعاصرة، فصل سوم، ص ۵ تا ۲۴.
- مخالفان داعش: طرطوسی، ابوصیر، الأحکام السلطانية و السياسية الشرعية، ص ۱۸۸ تا ۲۱۴.
۳. اثری، ابوهمام، مد الایادي لبيعة البغدادي، ص ۵ و ۱۱؛ ازدی، ابوالحسن، موجبات الإنضمام للدولة الإسلامية في العراق و الشام اعتراضات و جوابات، ص ۲۵؛ مقدسی، ابونسیبه، الدولة الإسلامية في العراق و الشام، ص ۴۸؛ انصاری، ابواسامه، الدولة الإسلامية و خلافتها المعاصرة، فصل سوم، ص ۴.
۴. منصور، ابوعبدالله محمد، الدولة الإسلامية بین الحقيقة و الوهم، ص ۱۴۹؛ ابراهیمی، کاروان، رد بر اعلان خلافت و انحرافات جماعت بغدادی، ص ۶۶؛ «دراسة دعاوي الخلافة الإسلامية»، سایت المجلس الإسلامي السوري، ۲۶ می ۲۰۱۵م، آدرس: <http://sy-sic.com/?p=1455>
۵. نک: اثری، ابوزهرا، القول الصافي في صحة بيعة سليل آل النبوة أبي بكر القرشي الحسيني البغدادي ثم السامرائي، ص ۵ تا ۷.
۶. به‌طور معمول، داعش به اهل سنت اطلاق اهل بدعت می‌کند.
۷. انصاری، ابواسامه، الدولة الإسلامية و خلافتها المعاصرة، فصل سوم، ص ۲۰؛ هتاری، عبدالمجید، «شرط القرشية لا يردہ إلا مبتدع أو علماني ملحد»، سایت JustPaste، ۱۷ مارس ۲۰۱۴م، آدرس:

معتقدند که ابوبکر بغدادی چون قریشی و از اهل بیت پیامبر ﷺ است، خلیفه مشروع است؛ اما افراد القاعده، قریشی بودن را به عنوان شرط صحت قبول ندارند.^۱ بلکه افراد القاعده چنین شرطی را مخالف با عقیده اهل سنت می دانند؛^۲ به این دلیل که لازمه پذیرش این شرط، بطلان خلافت عثمانی هاست؛ در حالی که هیچ کس خلافت عثمانی ها را باطل ندانسته است.^۳

۲. عدالت

عدالت یکی دیگر از شرایط مشروعیت خلیفه نزد داعش و القاعده است. این دو گروه در تطبیق این شرط بر بغدادی اختلاف دارند. داعشی ها بغدادی را عادل می دانند؛^۴ اما طرفداران القاعده معتقدند که بغدادی عادل نیست و تمامی ائمه دعوت او را جرح کرده اند؛^۵ چرا که وی خون بسیاری از مجاهدان و عوام مسلمانان را ریخته است.^۶ البته مقصود القاعده از قتل عموم مسلمانان، کشتار اهل سنت و شیعیان نیست؛ بلکه مقصود آنها قتل جهادی های هم فکر خود، همچون جبهة النصره و انصار الاسلام است.^۷ پس با توجه به این مطالب، وی یکی از مهم ترین شروط مشروعیت خلیفه را ندارد.^۸

۳. علم

علم یکی از شرایط مشروعیت خلیفه نزد القاعده و داعش است که از دو جهت در این شرط اختلاف دارند:

اول اینکه، چه مقدار علم، به خلیفه مشروعیت می بخشد؟ داعشی ها برای مشروعیت

<https://justpaste.it/erre>

۱. طرطوسی، ابوبصیر، الأحكام السلطانية و السياسية الشرعية، ص ۲۰۱.
۲. ابراهیمی، کاروان، رد بر اعلان خلافت و انحرافات جماعت بغدادی، ص ۶۷.
۳. طرطوسی، ابوبصیر، الأحكام السلطانية و السياسية الشرعية، ص ۲۰۱.
۴. اثری، ابوهام، مد الايادي لبيعة البغدادي، ص ۳؛ انصاری، ابواسامه، الدولة الإسلامية و خلافتها المعاصرة، فصل سوم، ص ۲۵.
۵. حسینی، عبدالله بن احمد، النصرة الحسينية، ص ۷.
۶. همان، ص ۸؛ ابراهیمی، کاروان، رد بر اعلان خلافت و انحرافات جماعت بغدادی، ص ۶۵.
۷. همان؛ همان.
۸. ابراهیمی، کاروان، رد بر اعلان خلافت و انحرافات جماعت بغدادی، ص ۶۵.

خلیفه، عالم بودن را کافی می‌دانند^۱ و عمدتاً بحثی از اجتهاد خلیفه مطرح نمی‌کنند؛ ولی در مقابل، طرفداران القاعده خلیفه‌ای را مشروع می‌دانند که مجتهد یا حداقل در حد اجتهاد باشد.^۲

دوم اینکه، میزان علم بغدادی چقدر است؟ داعشی‌ها با اینکه اجتهاد را شرط مشروعیت نمی‌دانند ولی بغدادی را فقیهی مجتهد می‌دانند؛^۳ به طوری که درباره او گفته‌اند که هر آنچه دیگران دارند، بغدادی یکجا دارد؛ یعنی علم و نسبی که به نبی اکرم ﷺ منتهی می‌شود.^۴ این در حالی است که طرفداران القاعده می‌گویند که بغدادی با علم نسبتی ندارد؛ چه برسد به اینکه مجتهد باشد.^۵

با بررسی رزومه علمی بغدادی شواهدی پیدا می‌شود که مدعای مخالفان بغدادی را تأیید می‌کند:

۱. فردی که به درجه اجتهاد می‌رسد، از مجتهدان معروف، اجازه اجتهاد می‌گیرد و اخیراً در کنفرانس «نقش فتوا در ثبات جوامع» نیز بر اجازه اجتهاد تأکید شده است؛^۶ ولی تاکنون اجازه اجتهادی برای بغدادی ارائه نشده است.

۲. عالمان دینی چندین کتاب فقهی و عقیدتی تألیف کرده‌اند؛ درحالی که بغدادی کتاب فقهی و عقیدتی ندارد.^۷

۱. «دراسة دعاوي الخلافة الإسلامية»، سایت المجلس الإسلامي السوري، ۲۶ می ۲۰۱۵م، آدرس: <http://sy-sic.com/?p=1455>
- اثری، ابوهمام، الصارم المسلول علی أغالیط سامح دلول، ص ۳۱؛ انصاری، ابواسامه، الدولة الإسلامية و خلافتها المعاصرة، فصل سوم، ص ۱۴ و ۱۵. البته در این کتاب ذکر شده است که عده زیادی از علما اجتهاد را شرط می‌دانند.
۲. طرطوسی، ابوبصیر، الأخكام السلطانية و السياسية الشرعية، ص ۲۰۰ و ۲۰۱؛ منصور، ابوعبدالله محمد، الدولة الإسلامية بین الحقيقة و الوهم، ص ۴۳.
۳. انصاری، ابواسامه، الدولة الإسلامية و خلافتها المعاصرة، فصل سوم، ص ۲۵.
۴. «لقد اجتمع في الشيخ أبي بكر ما تفرق في غيره؛ علم ينتهي إلى النبي ﷺ»، (اثری، ابوهمام، مد الأیادي لبيعة البغدادي، ص ۵).
۵. نک: «دراسة دعاوي الخلافة الإسلامية»، سایت المجلس الإسلامي السوري، ۲۶ می ۲۰۱۵م، آدرس: <http://sy-sic.com/?p=1455>
۶. «احیای نظام "اجازه اجتهاد" در اهل سنت / بازنگری ساختاری - موضوعی "عرصه فتوا"»، سایت شبکه اجتهاد، ۵ آبان ۱۳۹۴ش، آدرس: <http://ijtihadnet.ir/بیا-سنت-در-اجله-اجازه-اجتهاد-در-اهل-سنت-با>
۷. «دراسة دعاوي الخلافة الإسلامية»، سایت المجلس الإسلامي السوري، ۲۶ می ۲۰۱۵م، آدرس: <http://sy-sic.com/?p=1455>

۳. رشته تحصیلی دکترای بغدادی مشخص نیست؛ به طوری که داعشی‌ها در رشته تحصیلی وی اختلاف نظر دارند. برخی از آنان، تحصیلات دکترای بغدادی را در فقه می‌دانند^۱ و برخی دیگر مطالعات قرآنی را رشته تحصیلی بغدادی ذکر کرده‌اند.^۲ این اختلاف نشان می‌دهد که بغدادی سابقه روشن علمی ندارد. نهایتاً بغدادی نسخه‌ای از پایان‌نامه خود را منتشر نکرده است و اگر او قدرت علمی داشت، حداقل برای برطرف شدن شبهه، پایان‌نامه خود را منتشر می‌کرد.

به هر حال، با تمام اختلافی که بین القاعده و داعش در تطبیق وظایف و شروط امامت بر ابوبکر بغدادی وجود دارد، هر دو گروه اهلیت را یکی از مبانی مشروعیت خلیفه می‌دانند که لازم است قبل از نصب خلیفه احراز شود. از نظر این گروه‌ها خلیفه‌ای اهلیت دارد که اولاً: توان انجام وظایف امامت را داشته باشد؛ و ثانیاً: شروط امامت در او وجود داشته باشد؛ در غیر این صورت، خلیفه اهلیت ندارد و مشروع نیست.

مبنای دوم: استقرار حاکم بر اساس روش صحیح شرعی

استقرار حاکم بر اساس روش صحیح شرعی یکی از مبانی پذیرفته‌شده القاعده و داعش در زمینه مشروعیت خلیفه است. این دو گروه عمدتاً برای انعقاد امامت به سه شیوه بیعت اهل حل و عقد، تغلب و استخلاف تمسک می‌کنند. آنان معتقدند خلیفه‌ای که از طریق یکی از این شیوه‌ها بر مسند خلافت تکیه کند، مشروع است؛ بنابراین در ادامه به بررسی این شیوه‌ها از دیدگاه القاعده و داعش پرداخته می‌شود:

۱. اهل حل و عقد

انتخاب خلیفه از طریق بیعت اهل حل و عقد، یکی از راه‌های مورد اتفاق داعش و القاعده برای استقرار خلیفه است. بررسی عبارت‌های بزرگان این دو گروه، مدعای فوق را ثابت می‌کند. تمیمی مسئول هیئت شرعی داعش، بیعت اهل حل و عقد را به عنوان یک طریق

۱. اثری، ابوهام، مد الایادی لیبعة البغدادی، ص ۴.

۲. انصاری، ابواسامه، الدولة الإسلامية و خلافتها المعاصرة، فصل سوم، ص ۲۵.

اجماعی و بهترین شیوه شرعی استقرار حاکم معرفی می‌کند.^۱ ازادی، از اضلاع مثلث شرعی داعش،^۲ بیعت اهل حل و عقد را به‌عنوان روش صحیح شرعی نصب خلیفه معرفی کرده است.^۳ رهبران فکری القاعده همچون ابوقتاده فلسطینی و طرطوسی نیز بیعت اهل حل و عقد را به‌عنوان یکی از راه‌های شرعی استقرار خلیفه پذیرفته‌اند.^۴ نکته دیگری که مهر تأیید بر مدعای فوق می‌زند، عملکرد داعش در شیوه انتخاب بغدادی است. این گروه ادعا دارد که چون اهل حل و عقد، بغدادی را به‌عنوان خلیفه معرفی کرده‌اند، او خلیفه مشروع است. تمیمی می‌نویسد: «جمهور اهل حل و عقد (شورای مجاهدان) با مشورت با بیش از ۱۶۰ عالم اهل سنت در مناطق جهادی، ابوبکر بغدادی را به‌عنوان خلیفه انتخاب کرده‌اند».^۵

نقد

آنچه از بیان گذشته معلوم شد این است که هر دو گروه داعش و القاعده، بیعت اهل حل و عقد را به‌عنوان شیوه شرعی استقرار خلیفه پذیرفته‌اند؛ ولی این دو گروه در تطبیق این شیوه بر خلافت ابوبکر بغدادی اختلاف شدیدی دارند. به همین جهت، القاعده نقدهای زیادی بر داعش داشته است که به چند مورد از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. کسانی که با بغدادی بیعت کرده‌اند، اهل حل و عقد نیستند. ابوقتاده در این باره می‌نویسد: «بغدادی از طریق اهل حل و عقد انتخاب نشده است».^۶ طرطوسی نیز بیان می‌کند که در انتخاب بغدادی، با شورا که یکی از اصول شریعت است، مخالفت شده است.^۷

۱. تمیمی، عثمان بن عبدالرحمن، اعلام الأئام بمیلاد دولة الإسلام، ص ۲۱.

۲. اضلاع مثلث شرعی داعش عبارت‌اند از: ترکی بن علی، ابوعبیده شنقیتی، ابوالحسن ازادی. نک: «البنعلی»، «الشنقیتی»، «الازدی» أهم منطري "داعش" الشرعیین، سایت بوابة الحركات الإسلامية، ۱۹ می ۲۰۱۵م، آدرس: <http://www.islamist-movements.com/28476>

۳. ازادی، ابوالحسن، موجبات الإنضمام للدولة الإسلامية في العراق و الشام اعتراضات و جوابات، ص ۸ و ۹.

۴. نک: فلسطینی، ابوقتاده، ثاب الخلیفة، ص ۲۳ و ۲۴؛ طرطوسی، ابوبصیر، بیان حول الإعلان عن الدولة الإسلامية، ص ۱.

۵. تمیمی، عثمان بن عبدالرحمن، اعلام الأئام بمیلاد دولة الإسلام، ص ۲۱؛ ازادی، ابوالحسن، موجبات الإنضمام للدولة الإسلامية في العراق و الشام اعتراضات و جوابات، ص ۹؛ انری، ابوهمام، مد الأیادي لیبعة البغدادي، ص ۷؛ شنقیتی، ابومنذر، رفع الملام عن دولة الإسلام في العراق و الشام، ص ۳.

۶. نک: فلسطینی، ابوقتاده، ثاب الخلیفة، ص ۲۳ و ۲۴.

۷. طرطوسی، ابوبصیر، بیان حول الإعلان عن الدولة الإسلامية، ص ۱.

۲. گروهی که بغدادی را انتخاب کرده‌اند، شرایط اهل حل و عقد را ندارند. طرفداران القاعده می‌نویسند:

عدالت یکی از مهم‌ترین شرایط اهل حل و عقد است؛ ولی اهل حل و عقد داعش ظالم‌اند؛ چون خون بسیاری از مجاهدان و عوام را ریخته‌اند. حتی اگر از ظلم اینها چشم‌پوشی شود، در بهترین حالت مشکوک‌العدالة هستند.^۱

پس این شورای مجاهدان شرایط اهل حل و عقد را ندارند.

۳. کسانی که بغدادی را انتخاب کرده‌اند، با اهل حل و عقد مشورت نکرده‌اند. طرطوسی می‌نویسد: «در خلافت اعلان‌شده از سوی داعش، نظر هیچ‌یک از علما و شیوخ شام و همچنین نظر هیچ‌کدام از گروه‌های جهادی شام، پرسیده نشده است».^۲

۴. طرفداران القاعده معتقدند خلیفه‌ای مشروع است که امت، خلافت او را تنفیذ کند^۳ و به آن رضایت داشته باشد.^۴ رضایت امت، با بیعت اهل حل و عقدی که نشان‌دهنده رضایت امت باشد نیز حاصل می‌شود؛ ولی درباره بغدادی رضایت امت حاصل نشده است. چون اهل شوکت، گروه‌های جهادی، هزاران مجاهد و به‌خصوص رهبرانی همچون ملا عمر، ایمن الظواهری،^۵ و علمای برجسته‌ای چون طرطوسی، مقدسی،^۶ ابوقتاده و محیسنی^۷ با خلافت بغدادی مخالفت کرده‌اند.^۸ علاوه بر این، افرادی که با بغدادی بیعت کرده‌اند، ناشناس هستند و امت نمی‌تواند به بیعتی ملتزم باشد که اهل حل و عقد آن را نمی‌شناسد^۹ و رضایت امت از طریق چنین بیعتی حاصل نمی‌شود؛ بنابراین خلافت بغدادی مشروعیت ندارد.^{۱۰}

۱. حسینی، عبدالله بن احمد، النصرة الحسينية، ص ۸.

۲. طرطوسی، ابوبصیر، بیان حول الإعلان عن الدولة الإسلامية، ص ۱.

۳. جمعی از نویسندگان، مفهوم الحاکمیه فی فکر الشهید عبدالله عزام، ص ۱.

۴. ابراهیمی، کاروان، رد بر اعلان خلافت و انحرافات جماعت بغدادی، ص ۴۶.

۵. رهبر کنونی شبکه القاعده.

۶. از رهبران فکری القاعده.

۷. قاضی شرع جیش الفتح.

۸. ابراهیمی، کاروان، رد بر اعلان خلافت و انحرافات جماعت بغدادی، ص ۱۸ تا ۲۱.

۹. جمعی از نویسندگان، قالوا عن دولة البغدادی، ص ۴۳.

۱۰. ابراهیمی، کاروان، رد بر اعلان خلافت و انحرافات جماعت بغدادی، ص ۱۸ تا ۲۱.

خلاصه، القاعده در کبرای قضیه (بیعت اهل حل و عقد، سبب مشروعیت خلیفه است) با داعش هم‌نظر است؛ ولی این دو گروه، در صغرای قضیه و تطبیق آن بر بغدادی اختلاف زیادی دارند؛ به همین جهت بغدادی را به‌عنوان خلیفه مشروع، قبول ندارند.

۲. تغلب

تغلب یکی از شیوه‌های پذیرفته‌شده داعش برای استقرار حاکم است. تمیمی می‌نویسد: «در صورتی که حاکم اسلامی وجود نداشته باشد و بلاد اسلامی تحت تسلط دشمنان باشد، تغلب، تنها راه مشروعیت حاکم است».^۱ ابونسیبه مقدسی معتقد است که تغلب، تنها راه ممکن در زمان حاضر برای انعقاد امامت است؛^۲ اما در اینکه تغلب با چه مقدار سیطره حاصل می‌شود، طرفداران داعش از اساس، سیطره را در تغلب شرط نمی‌دانند؛ بلکه معتقدند سیطره و استیلا شرطی باطل است که دلیلی بر شرطیت آن وجود ندارد.^۳ اگر بپذیریم استیلا شرط تحقق تغلب است، قطعاً استیلائی کامل شرط نیست.^۴ داعشی‌ها داعشی‌ها با پذیرش مشروعیت این شیوه قائل اند که چون بغدادی بر بخشی از سرزمین‌های اسلامی سیطره دارد، خلافتش مشروع است.^۵

نقد

متفکران القاعده در باب تغلب دو دیدگاه دارند. کسانی همچون طرطوسی از اساس تغلب را به‌عنوان طریق شرعی برای استقرار خلیفه نپذیرفته‌اند؛^۶ ولی برخی دیگر از طرفداران داعش، تغلب را به‌عنوان یکی از شیوه‌های استقرار خلیفه پذیرفته‌اند که همین عده نیز دو گروه‌اند: ۱. برخی از باب ضرورت و بستن دروازه فتنه این شیوه را قبول کرده‌اند؛ ولی

۱. نک: تمیمی، عثمان بن عبدالرحمن، اعلام الأنام بمیلاد دولة الإسلام، ص ۱۲ و ۱۳.

۲. نک: مقدسی، ابونسیبه، الدولة الإسلامية في العراق و الشام، ص ۷۶ و ۷۷.

۳. سیناوی المهاجر، ابوحمزه، «الرد القوي على من يشكك في خلافة البغدادي القرشي»، سایت Dawlablog، ۶ دسامبر ۲۰۱۴م، آدرس:

<https://dawlablog.wordpress.com/2014/12/06/>

۴. نک: مقدسی، ابونسیبه، الدولة الإسلامية في العراق و الشام، ص ۵۸ و ۵۹.

۵. نک: همان، ص ۶۱؛ ازدی، موجبات الإنضمام للدولة الإسلامية في العراق و الشام اعتراضات و جوابات، ص ۸؛ انصاری، ابواسامه، الدولة الإسلامية و خلافتها المعاصرة، فصل اول، ص ۲۰.

۶. نک: طرطوسی، ابوبصیر، شرعية أمارة المتغلب، ص ۵.

معتقدند که در حق بغدادی تغلبی اتفاق نیفتاده است. چراکه وی حتی بر سرزمین‌های خود استیلا ندارد؛ به‌طوری که برای ادای نماز نمی‌تواند در بین مردم ظاهر شود؛^۱ چه برسد به اینکه بر امت استیلا داشته باشد.^۲ گروه دیگر، تغلب را با دو شرط «استقرار حکومت و ایجاد آرامش» و «اقامهٔ دین در جامعه»، به‌عنوان طریق شرعی برای استقرار حاکم می‌پذیرند؛ ولی می‌گویند که این شروط در حق بغدادی اتفاق نیفتاده است.^۳

نتیجه آنکه، متفکران القاعده جهت ردّ مشروعیت بغدادی دو گروه شده‌اند. برخی با ردّ کبرای قضیه (مشروعیت تغلب جهت استقرار حاکم) در مشروعیت خلافت بغدادی خدشه می‌کنند و برخی دیگر با قبول کبری، در صغرای قضیه و تطبیق آن بر بغدادی خدشه می‌کنند و مشروعیت او را نمی‌پذیرند.

۳. استخلاف

استخلاف یعنی خلیفهٔ زنده امام پس از خود را مشخص کند. این شیوه یکی از راه‌های پذیرفته‌شدهٔ القاعده و داعش جهت استقرار خلیفه است. از نظر داعش، استخلاف، طریقی شرعی و اجماعی برای استقرار خلیفه است^۴ و القاعده نیز انعقاد خلافت با تعیین خلیفه قبل را جایز می‌داند.^۵ داعش برای مشروعیت بغدادی به این شیوه استدلال نکرده است؛ اما طرفداران القاعده می‌گویند: «چون بغدادی توسط امام قبل انتخاب نشده است، مشروعیت ندارد».^۶

۱. نک: حسینی، عبدالله بن احمد، النصرة الحسينية، ص ۲۰ و ۲۱.

۲. نک: ابراهیمی، کاروان، رد بر اعلان خلافت و انحرافات جماعت بغدادی، ص ۴۱ تا ۴۴.

۳. «وهذا المعنى يستقيم بشرطين وهما: الأول: أن يستقر لهم الأمر ويستتب، فلا ينازعوا. الثاني: أن يقيموا في الناس شرع الله، والأمران كلاهما لم يحصل لاداعش». (بازمول، محمد بن عمر، رد شبهات داعشی، ص ۱۷).

۴. نک: مکتب البحوث و الدراسات، توعية الرعية بالسياسة الشرعية، ص ۱۲؛ تمیمی، عثمان بن عبدالرحمن، اعلام الأنعام بميلاد دولة الإسلام، ص ۱۲؛ ماوردی، ابوالحسن، مختصر الأحكام السلطانية والولايات الدينية، ص ۷.

۵. نک: سوری، ابومصعب، دعوة المقاومة الإسلامية العالمية، ص ۲۲۹؛ ابراهیمی، کاروان، رد بر اعلان خلافت و انحرافات جماعت بغدادی، ص ۴۱.

۶. ابراهیمی، کاروان، رد بر اعلان خلافت و انحرافات جماعت بغدادی، ص ۴۱.

نقد

استخلاف یکی از راه‌های پذیرفته‌شده داعش و القاعده برای استقرار خلیفه است که نقدهایی بر آن وارد است:

۱. از آنجا که خلافت، عقدی بین مسلمانان و خلیفه است، بیعت مسلمانان در انعقاد آن شرط است؛ اما در استخلاف این شرط رعایت نمی‌شود.

۲. خلافت حق مسلمانان است؛ اما در استخلاف این حق از مسلمانان سلب شده است.

۳. استخلاف «إعطاء ما لا یملک» است و «إعطاء ما لا یملک» شرعاً صحیح نیست. یعنی چون خلیفه مالک مقام خلافت نیست، نمی‌تواند این مقام را به دیگری واگذار کند؛^۱ بنابراین هرچند استخلاف مورد پذیرش القاعده و داعش است، مشروعیت بغدادی را ثابت نمی‌کند.

خلاصه اینکه بررسی شیوه‌های سه‌گانه استقرار حاکم از منظر القاعده و داعش نشان می‌دهد که این دو گروه، اختلافات اساسی در تطبیق بر خلیفه داعش دارند، ولی هر دو گروه معتقدند که اگر خلیفه بر اساس یکی از این سه شیوه بر مسند خلافت تکیه بزند، مشروعیت دارد.

مبنای سوم: حکم به ما أنزل الله

حکم بر اساس «ما أنزل الله» یکی از مبانی مشروعیت خلیفه نزد داعش و القاعده است. این دو گروه، حکم به ما أنزل الله را سبب مشروعیت خلیفه می‌دانند. برای نمونه، داعش خلافتی را مشروع و بر اساس منهج نبوت می‌داند که بر اساس آیات و احادیث نبوی حکم کند.^۲ ابومصعب سوری، از چهره‌های مورد اعتماد القاعده، مشروعیت حاکمان اسلامی را به‌خاطر اجرای احکام اسلامی می‌داند. سید امام، یکی دیگر از چهره‌های مورد اعتماد این

۱. نک: «الإستخلاف أو العهد»، سایت الخلافة، مارس ۲۰۱۷م، آدرس:

<http://www.khilafah.net/?p=2952>

۲. مکتب البحوث و الدراسات، توعية الرعية بالسياسة الشرعية، ص ۳.

گروه، می‌نویسد: «حاکمان باید بر اساس شرع حکم کنند».^۱ همچنین این گروه تصریح دارند که مادامی که خلیفه بر اساس ما أنزل الله حکم می‌کند، کسی حق عزل او را ندارد؛^۲ ولی حکم نکردن به ما أنزل الله سبب عزل او می‌شود.^۳ به همین دلیل، این دو گروه، حاکمان کشورهای اسلامی را کافر می‌شمارند.^۴ مهم‌ترین دلیل القاعده و داعش بر کفر معین و اکبر حاکمان کشورهای اسلامی، آیه «وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ»^۵ است.^۶ آنان معتقدند که کفر در این آیه، کفر اکبر است و باعث خروج از ملت می‌شود. حاکمان چون بر اساس ما أنزل الله حکم نمی‌کنند، کافر به کفر اکبر هستند و مشروعیت خود را از دست داده‌اند.^۷ بر این اساس، حکم به ما أنزل الله یکی از مبانی مشروعیت خلیفه نزد داعش و القاعده است.

نقد

همان‌طور که ذکر شد، دلیل اصلی القاعده و داعش بر مبنای فوق، آیه «مَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ»^۸ است؛ حال آنکه اولاً: فهم این دو گروه از این آیه، با فهم سلف مخالف است؛ ثانیاً: این آیه دال بر کفر اکبر نیست؛ و ثالثاً: القاعده و داعش در مقام عمل، به این مبنا ملتزم نیستند.

نقد اول: مخالفت فهم سلف با برداشت القاعده و داعش

یکی از مبانی پذیرفته‌شده القاعده و داعش این است که دین را باید بر اساس فهم سلف تفسیر کرد؛^۹ لذا این دو گروه، باید آیه را بر اساس فهم سلف تفسیر نمایند و اگر فهمی

۱. شریف، سید امام، الجامع فی طلب العلم الشریف، ص ۸۱۶.

۲. سوری، ابومصعب، دعوة المقاومة الإسلامية العالمية، ص ۱۶۲ و ۹۷۲.

۳. همان، ص ۱۶۳.

۴. همان، ص ۱۵۰، ۱۶۷ و ۹۵۹؛ موحد کردی، اوربان، ولی امر در اسلام، ص ۸۵.

۵. سوره مائده، آیه ۴۴.

۶. شریف، سید امام، الجامع فی طلب العلم الشریف، ص ۴۵۹ و ۸۵۵.

۷. سوری، ابومصعب، دعوة المقاومة الإسلامية العالمية، ص ۴۵۹، ۹۲۳ و ۹۵۹.

۸. سوره مائده، آیه ۴۴.

۹. شافعی، ابوالحسن، کتابچه ایمان، ص ۷.

دارند که برخلاف فهم سلف است، باید از آن دوری کنند و بر اساس فهم سلف حکم کنند. در آیه فوق، فهم سلف برخلاف فهم القاعده و داعش است. برای اثبات اینکه فهم سلف با فهم القاعده و داعش از آیه تفاوت دارد، به سه مورد اشاره می‌کنیم:

۱. روایت ابن عباس: خبر الأمة، کفر در این آیه را کفر دون کفر دانسته است.^۱ البته برخی در سند این روایت، به خاطر وجود هشام بن حجير مکی، خدشه کرده‌اند؛^۲ حال آنکه هشام، مورد تأیید ابن سعد، ابن حجر عسقلانی، ذهبی، حاکم نیشابوری و البانی است.^۳
۲. روایت عکرمه: عکرمه بن ابی جهل صحابی، کفر مطلق را از این آیه برداشت نکرده است؛ بلکه تنها انکار عالمانه حکم الهی را موجب کفر و خروج از اسلام دانسته است.^۴
۳. علی بن حسین: علی بن حسین - از تابعین - (م ۹۵ق) نیز این آیه را به معنای کفر اکبر ندانسته است.^۵

نقد دوم: کفر اصغر

واژه کافر در آیه فوق، به معنای کفر خروج از ملت نیست؛ چراکه واژه کافر در قرآن دارای معانی متعددی است و اگر بخواهیم آن را در یک معنای خاص به کار ببریم، قرینه لازم است. حال آنکه قرینه خاصی وجود ندارد؛ بلکه قراینی وجود دارد که مقصود از کفر در این آیه، کفر خروج از ملت نیست. یکی از قراین، فهم بزرگان سلف از این آیه است که کفر را به معنای خروج از ملت ندانسته‌اند. قرینه دیگر، آیاتی است که بر فاسق و ظالم بودن کسی که به غیر ما أنزل الله حکم می‌کند، تصریح دارند.^۶

۱. «إِنَّهُ لَيْسَ بِالْكَفْرِ الَّذِي يَذْهَبُونَ إِلَيْهِ، إِنَّهُ لَيْسَ كَفَرًا يَنْقُلُ عَنْ الْمِلَّةِ» وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» کفر دون کفر». (بيهقي، احمد بن حسين، السنن الكبرى، ج ۸، ص ۳۸).
۲. شريف، سيد امام، الجامع في طلب العلم الشريف، ص ۸۷۴؛ مريواني، ابو عايشه، حكم بما أنزل الله، ص ۱۱۱.
۳. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۲؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، لسان الميزان، ج ۹، ص ۴۴۰؛ ذهبی، محمد بن احمد، ميزان الاعتدال، ج ۴، ص ۲۹۵؛ ذهبی، محمد بن احمد، الكاشف، ج ۲، ص ۳۳۵؛ حاکم نیشابوری، محمد، المستدرک على الصحيحين، ج ۲، ص ۳۴۲؛ البانی، محمد ناصر الدين، سلسلة الأحاديث الصحيحة، ج ۶، ص ۱۱۳.
۴. «وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ جَاحِدًا بِهِ فَقَدْ كَفَرَ وَمَنْ أَقْرَبَ بِهِ وَلَمْ يَحْكَمْ بِهِ فَهُوَ ظَالِمٌ فَاسِقٌ». (خازن، علی بن محمد، لباب التأويل في معاني التنزيل، ج ۱، ص ۳۱۰).
۵. «قال صدق ولكنه كفر ليس ككفر الشرك وفسق ليس كفسق الشرك وظلم ليس كظلم الشرك». (سيوطي، عبدالرحمن بن ابي بكر، الدر المنثور في التفسير بالمأثور، ج ۳، ص ۸۹).
۶. سورة مائدة، آیه ۴۵: «وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»؛ سورة مائدة، آیه ۴۷: «هُمُ الْفَاسِقُونَ».

نقد سوم: مخالفت با سایر مبانی

داعش و القاعده در مقام عمل، چندان به مبنای خود ملتزم نیستند؛ چراکه تغلب یکی از شیوه‌های شرعی استقرار خلیفه نزد این دو گروه است؛ حال آنکه این شیوه نصی ندارد. پذیرش این شیوه، دقیقاً همان حکم به غیر ما أنزل الله است. علاوه بر این، داعش بسیاری از اسیران را سر برید و برخی را زنده‌زنده سوزاند؛^۱ درحالی‌که به پَر و نیکی کردن با اسیر سفارش شده است. قرآن می‌فرماید: «بر اسیر منت بگذارید و بدون دریافت چیزی آنان را آزاد کنید یا اینکه در مقابل فدیة آنان را آزاد کنید».^۲

مبنای چهارم: کفر به طاغوت

کفر به طاغوت یکی از مبانی اساسی و مورد اتفاق داعش و القاعده در مشروعیت خلیفه است. کفر به طاغوت از دیدگاه این دو گروه، اصل دین و هدف اساسی ارسال رُسل و انزال کتب است.^۳ کفر به طاغوت، رکن اول کلمة توحید «لا إله إلا الله»^۴ و مقدم بر ایمان به خدا است.^۵ طاغوت از دیدگاه القاعده و داعش دارای معنای عامی است و شامل این موارد می‌شود: هر نوع حکم به غیر ما أنزل الله، پارلمان‌ها، سازمان ملل متحد، شورای امنیت، دادگاه‌های بین‌المللی، انشای احکام وضعی، دموکراسی، ملی‌گرایی، حکم بر اساس قوانین وضعی عرفی اجتماعی و رجوع به این قوانین؛ و حتی رضایت به این موارد را نیز در بر می‌گیرد.^۶ مقصود از کفر به طاغوت در دیدگاه القاعده و داعش این است

۱. فیلم‌های جنایت‌های داعش در اینترنت موجود است که سوزاندن خلبان اردنی و دختران ایزدی از نمونه‌های آن است. «داعش تخرق ۱۹ فتاة أحياء بالموصل!»، سایت العالم، ۶ ژوئن ۲۰۱۶م، آدرس:

<http://www.alalam.ir/news/1825609/>

۲. سوره محمد، آیه ۴: «فَشُدُّوا الرِّبَاطَ فَإِنَّمَا مَنَّا بَعْدُ وَ إِنَّمَا فِدَاءٌ».

۳. مقدسی، ابومحمد عاصم، الديمقراطية دين، ص ۴؛ انتشارات دولت خلافت اسلامی، لا یصیح إسلام المرء إلا به (الکفر بالطاغوت)، ص ۱.

۴. آنان معتقدند «لا إله إلا الله» دارای دو رکن است: رکن اول، کفر به طاغوت و رکن دوم، ایمان به خدا و وحدانیت پروردگار. نک: طرطوسی، ابوبصیر، الطاغوت، ص ۱۲۳؛ انتشارات دولت خلافت اسلامی، لا یصیح إسلام المرء إلا به (الکفر بالطاغوت)، ص ۲.

۵. مقدسی، ابومحمد عاصم، الديمقراطية دين، ص ۴ و ۵.

۶. طرطوسی، ابوبصیر، الطاغوت، ص ۱۲۳؛ انتشارات دولت خلافت اسلامی، لا یصیح إسلام المرء إلا به (الکفر بالطاغوت)، ص ۲ تا ۵.

که علاوه بر انکار قلبی، زبانی و اجتناب از طاغوت، باید به کفر طاغوت حکم کرد؛ لذا خلیفه‌ای که ارتباط خود را با موارد ذکر شده قطع نکند یا بر اساس قوانین بشری حکم کند، نه تنها مشروع نیست، بلکه از رؤس طاغوت شمرده می‌شود.^۱

نقد

کفر به طاغوت همچون دیگر مبانی مشروعیت خلیفه، خدشه‌دار است. چنانکه ذکر شد، کفر به طاغوت از دیدگاه جهادی‌ها با انکار قلبی و زبانی حاصل نمی‌شود؛ بلکه خلیفه باید به طور مطلق از طاغوتیان اجتناب کند و ارتباط با آنان را قطع و حکم تکفیر آنها را صادر نماید. این در حالی است که:

اولاً: تبیین القاعده و داعش از این مبنا برخلاف قرآن است. خداوند به مسلمانان توصیه می‌کند که اگر مشرکان سلاح خود را کنار گذاشتند و خواهان صلح شدند، با آنان صلح کنید.^۲ حتی به رعایت عدالت درباره کافرانی سفارش کرده است که سر جنگ با مسلمانان ندارند؛^۳ لذا هر نوع ارتباطی با کافران از منظر قرآن نهی ندارد.

ثانیاً: تبیین این دو گروه از کفر به طاغوت، با سیره نبوی نقض می‌شود. نبی اکرم ﷺ در موارد بسیاری با مشرکان و یهود ارتباط داشته است و حتی از آنها استعانت جسته است. به عنوان مثال، پیامبر ﷺ با قبیله مشرک خزاعه پیمان نظامی منعقد کرد و در جنگ علیه مشرکان از آنها استعانت جست.^۴ همچنین استعانت پیامبر ﷺ از مشرکان در جنگ حنین^۵ و همچنین پیمان نظامی با یهودیان مدینه^۶ نشان می‌دهد که مطلق ارتباط با کافران، برای مشروعیت حاکم منعی ندارد.

۱. طرطوسی، ابوبصیر، الطاغوت، ص ۷۲.

۲. سوره انفال، آیه ۶۱: ﴿وَأِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾.

۳. سوره ممتحنه، آیه ۸: ﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾.

۴. ابن هشام، عبدالملک، السيرة النبوية لابن هشام، ج ۵، ص ۲۸؛ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، السيرة النبوية، ج ۳، ص ۵۲۷.

۵. واقدی، محمد بن عمر، کتاب المغازی، ج ۳، ص ۸۹۲؛ ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۵۰.

۶. ابن هشام، عبدالملک، السيرة النبوية لابن هشام، ج ۳، ص ۳۴.

نتیجه

برآیند آنچه در این تحقیق ذکر شد این است که القاعده و داعش چهار مبنا در مشروعیت خلیفه دارند. اختلافات داعش و القاعده مربوط به دو مبناى اول است. اولین مبناى مورد اختلاف این دو گروه، اهلیت خلیفه است. هر دو گروه معتقدند خلیفه‌ای اهلیت دارد که اولاً: شروط خلیفه را داشته باشد و مهم‌ترین شروط خلیفه نزد القاعده و داعش سه چیز است: نخستین شرط، قریشی بودن خلیفه است. القاعده برخلاف داعش، قریشی بودن را شرط انعقاد خلافت نمی‌داند. عدالت و علم، دیگر شروط مورد بحث این دو گروه است که تطبیق این شروط بر بغدادی، محل اختلاف این دو گروه است. ثانیاً: خلیفه توان انجام وظایف اجتماعی خویش را داشته باشد. حفظ و پاسداری از دین، اجرای احکام و نظارت مستقیم بر امور، از جمله وظایف خلیفه است که القاعده و داعش در تطبیق این موارد بر بغدادی اختلاف دارند. مبناى دوم مشروعیت خلیفه از دیدگاه داعش و القاعده، مربوط به شیوه به قدرت رسیدن خلیفه است. این دو گروه، خلیفه‌ای را مشروع می‌دانند که از طریق صحیح شرعی یعنی بیعت اهل حل و عقد، تغلب و استخلاف به خلافت برسد. داعش معتقد است که بغدادی از طریق اهل حل و عقد و تغلب به قدرت رسیده است؛ ولی القاعده تطبیق این موارد را بر بغدادی نمی‌پذیرد و بنابراین بغدادی را مشروع نمی‌داند.

القاعده و داعش دو مبناى دیگر در مشروعیت خلیفه دارند که از این مبانی برای اثبات عدم مشروعیت حاکمان کشورهای اسلامی بهره می‌گیرند. حکم بر اساس ما أنزل الله، یکی از این مبانی است. مهم‌ترین دلیل این دو گروه بر این مبنا، آیه ﴿وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾ است؛ حال آنکه فهم سلف از این آیه، برخلاف فهم این دو گروه است. آخرین مبناى مشروعیت خلیفه از دیدگاه داعش و القاعده، کفر به طاغوت است که این مبنا به وسیله قرآن و سیره نبوی نقض می‌شود. بر این اساس، داعش و القاعده در دو مبناى اول و در کبرای قضیه اشتراک دارند؛ ولی در صغرای قضیه اختلاف دارند. آنان در دو مبناى دیگر، هم از جهت کبری و هم از جهت صغری اشتراک دارند و برای اثبات عدم مشروعیت حاکمان کشورهای اسلامی از این دو مبنا استفاده می‌کنند.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابراهیمی، کاروان، **رد بر اعلان خلافت و انحرافات جماعت بغدادی**، سایت تمیکن، چاپ اول، بهار ۱۳۹۴ ش، آدرس: http://s7.picofile.com/file/8240471226/enherafate_jamaate_bakhdadi.pdf.html
۳. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، **لسان المیزان**، بیروت: دار البشائر الإسلامية، چاپ اول، ۲۰۰۲ م.
۴. ابن سعد، محمد، **الطبقات الكبرى**، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، **السيرة النبوية**، بیروت: دار المعرفة، ۱۹۷۱ م.
۶. ابن هشام، عبدالملک، **السيرة النبوية لابن هشام**، تحقیق: عبدالرؤف سعد، بیروت: دار الجیل، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
۷. اثری، ابوزهراء، القول الصافي في صحة بيعة سليل آل النبوة أبي بكر القرشي الحسيني البغدادي ثم السامرائي، بی جا: مؤسسة البتار الإعلامية، بی تا.
۸. اثری، ابوهمام، **الصارم المسلول على أغاليط سامح دلول**، بی جا: بی نا، ۱۴۳۰ ق.
۹. اثری، ابوهمام، **مد الأيادي لبيعة البغدادي**، بی جا: بی نا، ۱۴۳۴ ق.
۱۰. ازدی، ابوالحسن، **موجبات الإنضمام للدولة الإسلامية في العراق والشام اعتراضات و جوابات**، بی جا: مؤسسة المأسدة الإعلامية، ۲۰۱۳ م.
۱۱. انتشارات دولت خلافت اسلامی، **لا يصح إسلام المرء إلا به (الكفر بالطاغوت)**، بی جا: مكتبة الهممة، ۱۴۳۷ ق.
۱۲. انصاری، ابواسامه، **الدولة الإسلامية و خلافتها المعاصرة**، بی جا: انتشارات الوفاء - الجبهة الإعلامية لنصرة الدولة الإسلامية، ۲۰۱۵ م.
۱۳. بازمول، محمد بن عمر، **رد شبهات داعشی**، بی جا: السلف، ۱۴۳۶ ق.
۱۴. البانی، محمد ناصرالدین، **سلسلة الأحاديث الصحيحة؛ و شيء من فقهها و فوائدها**، ریاض: مكتبة المعارف، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
۱۵. بیهقی، احمد بن حسین، **السنن الكبرى**، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمية، چاپ سوم، ۱۴۲۴ ق.
۱۶. تمیمی، عثمان بن عبدالرحمن، **اعلام الأنام بميلاد دولة الإسلام**، بی جا: الفرقان للإنتاج الإعلامي، بی تا.

١٧. جمعی از نویسندگان، **قالوا عن دولة البغدادي**، بی‌جا: کتائب ردع الخوارج، چاپ اول، ۲۰۱۵م.
١٨. جمعی از نویسندگان، **مفهوم الحاکمیه فی فکر الشہید عبداللہ عزام**، پیشاور: انتشارات مرکز الشہید عزام الإعلامی، بی‌تا.
١٩. حاکم نیشابوری، محمد بن عبداللہ، **المستدرک علی الصحیحین**، تحقیق: مصطفیٰ عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
٢٠. حسینی، عبداللہ بن احمد، **النصرة الحسينية لأهل الحکمة اليمانية و أهل العزة في الديار اللیبیة نقضاً للخلافة البغدادیة**، سایت آرشیو، ۲۰۱۴م، آدرس: https://archive.org/details/rad_menbar1
٢١. خازن، علی بن محمد، **لباب التأویل فی معانی التنزیل**، بیروت: دار الفکر، ۱۹۷۹م.
٢٢. ذہبی، محمد بن احمد، **الکاشف؛ فی معرفة من له رواية في الكتب الستة**، جدہ: دار القبلة للثقافة الإسلامية مؤسسة علوم القرآن، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
٢٣. ذہبی، محمد بن احمد، **میزان الاعتدال؛ فی نقد الرجال**، تحقیق: بجاوی علی محمد، بیروت: دار المعرفة، چاپ اول، ۱۳۸۲ق.
٢٤. رقب، صالح حسین، **الدولة الإسلامية «داعش»؛ نشأتها، حقیقتها، أفكارها و موقف أهل العلم منها**، فلسطین: کلیة أصول الدین الجامعة الإسلامية، چاپ دوم، ۲۰۱۵م.
٢٥. سوری، ابومصعب، **دعوة المقاومة الإسلامية العالمية**، بی‌جا: بی‌نا، ۲۰۰۴م.
٢٦. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، **الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور**، بیروت: دار الفکر، ۱۹۹۳م.
٢٧. شافعی، ابوالحسن، **کتابچه ایمان**، بی‌جا: مکتبة الموحدين، چاپ اول (دیجیتال)، ۱۳۹۶ش، آدرس: <https://tohidbooks.files.wordpress.com/2017/07/ketabche-iman.pdf>
٢٨. شریف، سید امام، **الجامع فی طلب العلم الشریف**، تعلیق: ابومحمد مقدسی بر باب هفتم، سایت منبر التوحید و الجهاد، آدرس: http://www.ilmway.com/site/maqdis/MS_11928.html
٢٩. شریفات، عبدالمحمد، **حکم به غیر ما أنزل الله**، قم: رهپویان اندیشه، ۱۳۹۶ش.
٣١. شنقیطی، ابومنذر، **رفع الملام عن دولة الإسلام في العراق و الشام**، سایت JustPaste، ۱۴ دسامبر ۲۰۱۳م، آدرس: <https://justpaste.it/dtwe>
٣٢. طرطوسی، ابوبصیر، **الأحكام السلطانية و السياسية الشرعية**، بی‌جا: بی‌نا، چاپ دوم، ۲۰۱۶م.

۳۳. طرطوسی، ابوبصیر، الطاغوت، بی‌جا: بی‌نا، ۱۴۱۶ق.
۳۴. طرطوسی، ابوبصیر، بیان حول الإعلان عن الدولة الإسلامية، بی‌جا: بی‌نا، ۲۰۱۳م.
۳۵. طرطوسی، ابوبصیر، شرعية أمارة المتغلب، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
۳۶. فلسطينی، ابوقتاده، ثياب الخليفة، بی‌جا: نخبة الفكر، چاپ اول، ۲۰۱۴م.
۳۷. ماوردی، ابوالحسن، مختصر الأحكام السلطانية و الولايات الدينية، بی‌جا: مكتبة الهممة، چاپ دوم، ۱۴۳۷ق.
۳۸. محیطی، مرتضی، استعانت از کفار، قم: رهپویان اندیشه، ۱۳۹۶ش.
۳۹. مریوانی، ابوعایشه، حکم بما أنزل الله، سایت گوگل درایو، آدرس:
<https://drive.google.com/open?id=0B8PmBAAj9AAASIJSRU1aWThFZ00>
۴۰. مقدسی، ابومحمد عاصم، الديمقراطية دين؛ و من يبتغ غير الاسلام ديناً فلن يقبل منه، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
۴۱. مقدسی، ابونسيبه، الدولة الإسلامية في العراق و الشام، بی‌جا: فرسان البلاغ للإعلام قسم الدعوة و البلاغ، ۲۰۱۴م.
۴۲. مكتب البحوث و الدراسات، توعية الرعية بالسياسة الشرعية، بی‌جا: مكتبة الهممة، چاپ اول، ۱۴۳۷ق.
۴۳. منصور، ابوعبدالله محمد، الدولة الإسلامية بين الحقيقة و الوهم، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
۴۴. موحد کردی، اوربان، ولی امر در اسلام، بی‌جا: مكتبة الموحدين، چاپ سوم (دیجیتال)، ۱۳۹۶ش، آدرس:
<http://urbanmovahed.blogspot.com/>
۴۵. واقدی، محمد بن عمر، كتاب المغازي، تحقیق: احمد عطا و محمد عبدالقادر، بیروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۲۰۰۴م.

سایت‌ها

1. <http://ijtihadnet.ir>
2. <http://justpaste.it>
3. <http://sy-sic.com>
4. <http://www.alalam.ir>
5. <http://www.hawzah.net>
6. <http://www.islamist-movements.com>
7. <http://www.khilafah.net>
8. <https://dawlalblog.wordpress.com>